



رولد دال

ترجمہی محبوبہ نجف خانی

# آقای روباه شگفت انگیز

 ofoqbooks.com

 ofoqkidsandteens

 ofoqkidsandteens

## فهرست

- ۷ درباره‌ی نویسنده
- ۱۱ درباره‌ی تصویرگر
- ۱۳ سه مزرعه‌دار
- ۱۹ آقای روباه
- ۲۵ تیراندازی
- ۳۱ بیل‌های وحشتناک
- ۳۷ تراکتورهای وحشتناک
- ۴۳ مسابقه
- ۴۹ اصلاً نمی‌گذاریم فرار کند
- ۵۳ روباه‌ها گرسنگی می‌کشند
- ۵۷ آقای روباه نقشه‌ای می‌کشد
- ۶۱ مرغدانی شماره‌ی یک بوگیس

## سه مزرعه‌دار

پایین درّه، سه مزرعه بود. صاحبان مزرعه‌ها، آدم‌هایی موفق و پولدار، ولی بد و مزخرف بودند. شاید شما هم توی زندگی به آدم‌هایی به بدجنسی و مزخرفی این سه نفر برخورد کرده باشید. اسم‌های آن‌ها مزرعه‌دار بوگیس، مزرعه‌دار بانس و مزرعه‌دار بین بود.



بوگیس چاق‌الو مرغ پرورش می‌داد و چند هزار تا مرغ داشت. او تا دل‌تان بخواهد چاق بود. چون هر روز، برای صبحانه و ناهار و شام، سه تا مرغ پخته‌ی غرقِ سس شیرین می‌خورد.



بانس خپلو اردک و غاز پرورش می‌داد و چند هزار تا اردک و غاز داشت. او خپل و شکم‌گنده بود. قدش به قدری کوتاه بود که اگر توی قسمت کم‌عمق استخر می‌ایستاد، آب تا بالای چانه‌اش می‌آمد.

غذایش پیراشکی و جگر داغ بود. او جگرها را له می‌کرد و به شکل پوره‌ی حال به هم‌زنی درمی‌آورد و بعد آن را توی پیراشکی‌ها می‌چپاند. خوردن این غذا باعث می‌شد دل‌درد بگیرد و در نتیجه بداخلاق شود.

